

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

تیر آخر به جنگ‌طلبان

البریح کولبی، گزینه انتخابی ترامپ برای معاونت وزارت دفاع از امور سیاست‌گذاری فردی است که هوادار رویکرد عقلانی‌تر آمریکا در خارج از مرزها است. او سیاست‌هایی را ترجیح می‌دهد که به امنیت و منافع شهروندان آمریکایی اولویت بدهند نه سیاست‌هایی که نوحفاظه‌کاران با هدف ترویج دموکراسی و تغییر نظام‌ها در دستور کار قرار می‌دهند. هرچند ترامپ سعی می‌کند خودش را از قشر سنتی دور نگه دارد، اما همچنان جمهوری خواهانی هستند که دنبال حفظ حزب محافظه‌کار در چارچوب حزب جنگ هستند. افرادی مانند سناتور تام کاتن، با انتصاب کولبی مخالفت کرده‌اند. یک قانون‌گذار نزدیک به کاتن به پایگاه خبری بریت‌بارت می‌گوید: «سناتور کاتن با برخی اظهارات کولبی که با موضع ما در خصوص جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای در تناقض است، مشکل دارد.» یک وب‌سایت خبری دیگر به نقل از راجر ویکر، رئیس کمیته نیروهای مسلح سنا نوشته‌است: «برخی جمهوری خواهان نگرانی‌هایی در مورد کولبی دارند، اما نباید اینگونه تصور کرد که با او مخالفت وجود دارد.» نشریه جونیس اینسایدر، از ماه نوامبر حمله به کولبی را آغاز کرده‌بود و نوشته‌بود که کلیی دیدگاه‌های «کندرانه‌ای» نسبت به ایران دارد و با انتخاب او در دولت ترامپ مخالفت کرده‌بود. این نشریه اخیراً نوشته‌است که دیدگاه‌های کولبی شبیه به «تعدادی دیگر از انزواگرایان در دولت جدید» است. کولبی سال ۲۰۱۲ در نشنال اینترست نوشته‌بود: «واقعیت این است که حمله بدون مقدمه به ایران یک اقدام خطرناک است. استدلال افرادی که به اجتناب از حمله نظامی تأکید می‌کنند، روشن است: بازدارندگی، هر چند ارزان و ساده نیست، اما می‌تواند نتیجه دهد، هزینه‌های عملیات انتقامی ایران از منافع آن بیشتر است. اما شاید مهم‌ترین سوالی که هواداران حمله به ایران به آن پاسخ نمی‌دهند این باشد، سوالی که ژنرال پتراوس در آغاز جنگ عراق پرسید: این وضعیت قرار است چگونه تمام‌شود؟» ترامپ به نوبه خود بسیاری از استدلال‌های کولبی را به طرق مختلف از زمان آغاز کارزار انتخاباتی‌اش در سال ۲۰۱۶ تکرار کرده‌است. او در دوره نخست ریاست‌جمهوری‌اش خواهان خروج از افغانستان و سوریه بود. بعد از چراغ سبز به عملیات ترور [شهید سردار] قاسم سلیمانی در سپتامبر ۲۰۲۰، ایرانی‌ها عملیات محدودی در تلافی اقدام آمریکا انجام دادند و ترامپ از اقدام بیشتر اجتناب کرد و به‌رغم اصرار همان افرادی که کولبی مخالفت می‌کنند، حاضر به آغاز یک جنگ تمام‌عیار با ایران نشد.

جی‌دی ونس، معاون ترامپ از جمله حامیان البریح کولبی است. او روز یک‌شنبه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «البریح در ۲۰ سال گذشته همواره در سمت درست جدل‌های سیاست خارجی ایستاده‌است، او مخالف جنگ عراق بود که معنایش این است که در دوران جنیش محافظه‌کار ی دهه اول قرن بیست‌ویکم، کسی او را در دولت استخدام نمی‌کرد.» چارلی کرک، از تحلیل‌گران هوادار دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «تلاش‌ها برای ایجاد مانع در مقابل رئیس‌جمهور ترامپ در سنا ادامه دارد، سناتور تام کاتن پشت‌پرده تلاش می‌کند تا جلوی تأیید صلاحیت گزینه ترامپ، البریح کولبی را برای وزارت دفاع بگیرد. کولبی یکی از مهم‌ترین موانع در مقابل دار و دسته‌بوش-چینی در وزارت دفاع بود.» دونالد ترامپ پسر شاید محکم‌ترین دفاع را از کولبی انجام داد. او نوشت: «پدرم سال‌ها دنبال احیای سیاست خارجی با اولویت آمریکا بود. او همیشه دنبال خارج کردن ما از جنگ‌های چند دهه‌ای پر هزینه بود. برای سال‌ها پدرم تنها بود. در دوره اول ریاست‌جمهوری بسیار اطراف او بودند که ادعای کردند با او موافقت، اما پشت سرش علیه اهداف او دسیسه می‌چیدند. او در این دوره دنبال این است که افرادی را منصوب کند که برای این کار مناسب باشند... هیچ‌کس از این نظر مناسب‌تر از البریح کولبی نیست.» دونالد ترامپ خودش هم گفته‌است که در دوره نخست در انتخاب افراد اشتباه کرد، افرادی مانند تام کاتن، دنبال این هستند که ترامپ

بار دیگر این اشتباه را تکرار کند



تردید سعودی

آیا محمد بن سلمان حاضر به همراهی با دور جدید سیاست فشار حداکثری ترامپ علیه ایران خواهد شد؟



نگاه هم‌میهن



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

با آغاز دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا، اکنون عربستان سعودی در مقابل دوراهی سختی قرار گرفته‌است. دونالد ترامپ در همین هفته‌های نخست ریاست‌جمهوری‌اش امتیازهای زیادی را برای ریاض در نظر گرفته‌است. مانند سال ۲۰۱۷ که نخستین مقصد سفر خارجی ترامپ بعد از رسیدنش به مقام ریاست‌جمهوری عربستان بود، این بار هم ریاض به مرکز تلاش‌های دیپلماتیک واشنگتن برای پایان جنگ اوکراین بدل شده‌است. در عین حال گزارش‌هایی از تمایل ترامپ برای واگذاری مدیریت غزه به عربستان سعودی پس از تکمیل فرآیند آتش‌بس حکایت دارند. قطعاً این امتیازها برای عربستان بدون مابه‌ازا نخواهد بود. ترامپ از عربستان انتظار دارد که مانند سال ۲۰۱۸ از سیاست فشار حداکثری علیه ایران حمایت کند و بدون چون و چرا توافقی برقراری روابط دیپلماتیک را با اسرائیل بپذیرد. اما به نظر نمی‌رسد که محمد بن‌سلمان، نزدیک به یک دهه پس از رسیدن به قدرت، چندان تمایل داشته‌باشد که بی‌قید و شرط خواسته‌های آمریکا را بپذیرد. ریاض در سال‌های اخیر تلاش کرده‌است تا وابستگی انحصاری نظامی، دیپلماتیک و امنیتی خود را به ایالات متحده آمریکا کاهش دهد. تلاش محمد بن‌سلمان جوان برای سلطه بر قدرت در عربستان سعودی، بن‌دور نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ هم‌زمان شده‌بود. بن‌سلمان حساب ویژه‌ای روی حمایت دونالد ترامپ و آمریکا از برنامه‌های جاه‌طلبانه‌اش باز کرده‌بود. به همین دلیل محمد بن‌سلمان معتقد بود که حضور ترامپ فرصت بسیار مناسبی برای از میدان به در کردن قدرت رقیب قدیمی ریاض در منطقه یعنی ایران است. عربستان مشتاقانه خروج دولت دونالد ترامپ را از برجام تحسین و تلاش کرد با افزایش تولید نفت خام، به ترامپ کمک کند تا آثار خروج نفت ایران را از بازار جهانی نفت جبران کند. محمد بن‌سلمان هیچ مخالفتی با روند عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و بحرین با اسرائیل نشان نداد. اما رویدادهای بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ به تدریج باعث شد تا تصورات بن‌سلمان نسبت به همسویی اهداف واشنگتن و ریاض تغییر کند. با کنار رفتن ترامپ و انتخاب جو بایدن به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا روابط ریاض و واشنگتن نسبت به هر زمان دیگری سردتر شد. جو بایدن وعده داده‌بود که محمد بن‌سلمان را رهبری مطرود در جهان معرفی کند و به توافق هسته‌ای با ایران بازگردد. هر چند سیاست‌های اعلانی دولت بایدن با سیاست‌های اعمالی او تفاوت چشمگیری داشت و نهایتاً واشنگتن تلاش برای جلب رضایت سعودی‌ها را آغاز کرد، اما بدبینی محمد بن‌سلمان نسبت به سیاست واشنگتن عمیق‌تر شده‌بود. چند ماه بعد از آغاز به کار جو بایدن، دولت عربستان سعودی مذاکرات محرمانه امنیتی را با ایران برای عادی‌سازی روابط پس از ۵ سال در بغداد آغاز کرد. هر چند این مذاکرات با فرازونشیب‌های زیادی مواجه شد، اما نهایتاً دو سال پیش عربستان سعودی و ایران با وساطت چین روابط دیپلماتیک خود را از سر گرفتند. میانجی‌گری چین در این توافق به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران نشان‌دهنده دورتر شدن ریاض از مدار نفوذ ایالات متحده آمریکا بود.

مادامی که دولت دموکرات‌ها در واشنگتن حاکم بود، محمد بن‌سلمان و حاکمان سعودی راهبرد روشنی را در سیاست خارجی خود در پیش گرفته‌بودند: ایجاد تنوع در روابط خارجی و اجتناب از وابستگی بیش از اندازه به یک قطب قدرت. در دور نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، محمد بن‌سلمان جوان، ولیعهد و حاکم بالفعل سعودی حساب ویژه‌ای روی روابط با آمریکا باز کرده‌بود. تصور او این بود که حمایت آمریکا از عربستان سعودی بی‌قید و شرط است و با این پشتیبانی می‌تواند رویاهای بلندپروازانه خود را برای تبدیل کردن عربستان به یک قدرت بلامنزاع در منطقه عملی کند. اینکه دونالد ترامپ سال ۲۰۱۷ عربستان را به عنوان نخستین مقصد سفر خارجی‌اش انتخاب کرد، از محاصره دیپلماتیک و اقتصادی قطر توسط عربستان و متحدانش حمایت کرد، فروش تسلیحات به عربستان را به شکل چشمگیری افزایش داد و دامادش را به عنوان مسئول روابط با ریاض منصوب کرد، این تلقی در خاندان سعودی تقویت شد که روابط ریاض و واشنگتن در آستانه یک جهش تاریخی قرار دارد. اما این شرایط در سال پایانی ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، تغییر کرد.

رشه‌های بی‌اعتمادی

به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، تحول در سیاست خارجی عربستان سعودی از سال ۲۰۱۹ و در ماه‌های پایانی دولت نخست دونالد ترامپ آغاز شد. سعودی‌ها، بعد از حملات ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ به تأسیسات نفتی شان در مناطق بقیق و خریص انتظار داشتند که دولت دونالد ترامپ به پشتیبانی از آنها برخیزد و برای مقابله با مهاجم وارد عمل شود. دونالد ترامپ بلافاصله بعد از این حملات در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌بود که «شواهدی در اختیار داریم» که نشان می‌دهد مهاجم چه کسی است و «خشاب‌مان پر و آماده شلیک» است. مایک پمپئو، وزیر خارجه وقت و ریک بری، وزیر انرژی وقت آمریکا بلافاصله اعلام کردند که ایران مسئول حمله به عربستان سعودی بوده‌است، هر چند ایران کاملاً این اتهام را رد کرد و انصارالله یمن مسئولیت حمله را بر عهده گرفت. دونالد ترامپ در دو روز بعد از حمله به تدریج موضع خود را تغییر داد. ترامپ ابتدا گفت که هیچ عجله‌ای برای واکنش ندارد و در پاسخ به خبرنگاران گفت: «ما گزینه‌های متعددی داریم، اما الآن به گزینه‌ها فکر نمی‌کنیم. ابتدا باید دقیقاً بفهمیم که چه کسی این کار را کرده‌است.» یک روز بعد ترامپ بیشتر عقب‌نشینی کرد و عملاً آب

پاکی را روی دست سعودی‌ها ریخت: «این یک حمله به عربستان سعودی بود، نه یک حمله به ما.» هر چند او گفت که به سعودی‌ها کمک خواهد کرد، اما تأکید کرد: «من هیچ قولی به سعودی‌ها [برای حفاظت از آنها] نداده‌ام.»

البته هواداران ترامپ، عامل بی‌اعتمادی عربستان سعودی به واشنگتن و باز شدن پای چین به منطقه را سیاست‌های جو بایدن می‌دانند و نه تصمیم دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۹ برای عدم مداخله نظامی به نفع عربستان. جیمز جی. کارافانو، پژوهشگر اندیشکده آمریکن هریتج می‌نویسد: «با توجه به شکست سیاست‌های منطقه‌ای جو بایدن، عربستان سعودی در سال‌های اخیر به شدت نسبت به چین گشاده‌رو شده‌است. جو بایدن به شدت نسبت به نفوذ روزافزون چین در منطقه بی‌توجه بود. او در ابتدای دوران ریاست‌جمهوری‌اش علناً از دولت عربستان سعودی انتقاد می‌کرد و تمایلی به پیگیری توافق‌های ابراهیم‌نشان نمی‌داد. علاوه بر این، دولت او به دنبال تعامل با ایران بود که به شکل قابل توجهی باعث بی‌ثباتی در منطقه می‌شد.» اما در میان تحلیل‌گران آمریکایی در این مورد اجماع وجود ندارد. اندرو لبر، پژوهشگر اندیشکده موقوفه کارنگی برای صلح می‌گوید: «به همان اندازه که محمد بن‌سلمان و دیگر مقام‌های سعودی از سیاست‌های دولت بایدن دلخور هستند، بعید است که فراموش کرده‌باشند این دونالد ترامپ بود که حاضر به واکنش به حمله به تأسیسات نفتی عربستان سعودی نشد. هر چند برنامه اخیر ترامپ [برای جایجایی جمعیت غزه] بعید است مادامی که روی کاغذ باقی بماند، باعث شکاف جدی در روابط عربستان و آمریکا شود، اما باعث خواهد شد که عربستان سعودی به تنوع‌بخشی بیشتر به شرکات‌های بین‌المللی‌اش تشویق شود.»

بازگشت به سیاست

محمد بن‌سلمان بعد از وقایع سال ۲۰۱۹ تصمیم گرفت که در روابط خارجی خود سیاستمداران‌تر عمل کند. انتخاب جو بایدن به ریاست‌جمهوری آمریکا و شعارهای او علیه محمد بن‌سلمان در کارزار انتخاباتی هرگونه تردیدی در مورد غیرقابل اتکا بودن آمریکا را برطرف کرده‌بود. محمد بن‌سلمان دریافته‌بود که کنار زدن رقبای منطقه‌ای با تکیه بر چتر امنیتی ایالات متحده آمریکا، رویایی تعبیرنشده‌ی است: ایران، قطر، ترکیه و اسرائیل، قدرت‌هایی هستند که عربستان باید به هر طریق ممکن روابط خود را با آنها مدیریت کند. نخستین گام محمد بن‌سلمان در این مسیر متوقف کردن سیاست شکست‌خورده محاصره و حذف قطر بود. در روزهای پایانی دولت نخست دونالد ترامپ، عربستان سعودی تمامی شرایط خود را برای عادی‌سازی روابط با قطر کنار گذاشت و با پذیرش تلویحی شکست محاصره قطر، پس از نزدیک به ۴ سال مرزهای خود را به روی قطر بازگشایی کرد. چهار ماه بعد، رسانه‌های عراقی از آغاز مذاکرات محرمانه امنیتی میان مقام‌های ایران و عربستان سعودی در بغداد برای از سرگیری روابط خبر دادند. این مذاکرات هر چند با فراز و فرودهایی مواجه شد، اما نهایتاً دو سال بعد با امضای بیانیه‌ای مشترک با وساطت وزیر خارجه چین در پکن به عادی‌سازی کامل روابط ایران و عربستان پس از ۷ سال قطع کامل روابط دیپلماتیک انجامید. هم‌زمان با مذاکرات ریاض و تهران، مذاکرات غیررسمی عربستان سعودی با انصارالله یمن برای توقف درگیری‌های یمن نیز آغاز شد. فروردین ۱۴۰۱ این مذاکرات منجر به اعلام آتش‌بس موقت در یمن شد که هر چند ضرب‌الاجل پایان آن مدت‌هاست بدون تمدید رسمی گذشته‌است، اما تا به امروز کم و بیش دوام آورده‌است. هم‌زمان با عادی‌سازی روابط با ایران، عربستان سعودی پس از ۱۲ سال قطع کامل روابط، حاضر شد بدون پیش‌شرط بازگشت حکومت بشار اسد به اتحادیه عرب را تسهیل کند. هر چند این رویداد برای بشار اسد خیلی دیر شده‌بود و کمتر از دو سال بعد، اسد مجبور به ترک قدرت در سوریه شد. مذاکره با ایران، قرار دادن شروط واضح برای آمریکا در مذاکرات عادی‌سازی روابط با اسرائیل و تقویت روابط با چین و روسیه از جمله این اقدام‌ها بود.

عادی‌سازی روابط عربستان سعودی با ایران، در دو سال گذشته ثمره امنیتی زیادی برای ریاض داشته‌است. امنیتی که پس از ۷ سال جنگ با سلاح‌های آمریکایی در مرز با یمن ایجاد نشد، پس از آشتی تهران و ریاض در قالب آتش‌بس موقتی که حتی در روزهای پرتنش جنگ غزه هم پای‌جا ماند، تا مین شده‌است. آنا جیکووز، تحلیل‌گر اندیشکده گروه بین‌المللی بحران به‌ پایگاه خبری نیو عرب می‌گوید: «اگر روابط ایران و عربستان از آشتی سیاسی به سمت همکاری دفاعی برود، آنگاه دولت ترامپ فشار شدیدی را بر عربستان برای قطع این روابط آغاز خواهد کرد.» حمیدرضا عزیززوی، پژوهشگر اندیشکده شورای خاورمیانه برای امور جهانی به نیو عرب می‌گوید: «تعمیق بی‌اعتمادی میان ریاض و واشنگتن باعث شده‌است که سعودی‌ها حاضر نباشند از حد خاصی بیشتر با آمریکا علیه ایران همسویی نشان دهند.»

علاوه بر بی‌اعتمادی به عملکرد ترامپ در دفاع از عربستان، نگرانی در مورد آینده نقش آفرینی آمریکا در خاورمیانه هم باعث می‌شود تا کشورهای عربی منطقه بیش از پیش به دنبال خارج شدن از سایه چتر امنیتی آمریکا باشند. تردیدی وجود ندارد که آمریکا تلاش می‌کند از مداخله خود در امور خاورمیانه بکاهد تا بتواند تمرکز بیشتری در شرق آسیا برای مقابله با توسعه نفوذ و اقتدار چین ایجاد کند. آندریاس کریگ، استاد دانشکده مطالعات امنیتی کالج لندن به نیو عرب می‌گوید: «عدم اطمینان به آینده نقش آفرینی آینده آمریکا در منطقه باعث می‌شود که کشورهای عربی منطقه به دنبال نظم منطقه‌ای متکی به خود باشند تا نظم متکی به هم‌زویی آمریکا.» ناصر التمیمی، پژوهشگر ارشد موسسه ایتالیایی مطالعات سیاسی بین‌الملل (ISPI) معتقد است: «آشتی با ایران باعث شده‌است تا بودجه دفاعی عربستان سعودی به شکل قابل توجهی کاهش پیدا کند و تنوع‌بخشی به